

لحظه‌های پایلی زندگی یک مرد است برای همه بچه‌های گروه تجربه مفید و بازخورد‌های ارزشمندی داشته باشد. چرا که من معتقدم فیلم محصول زحمات یک شخص و یافرد نیست، بلکه حاصل خلاقیت و هم صدایی یک گروه روی پرده سینماست.

نقش اصلی این فیلم را استاد نصیربان بازی کرده‌اند، چطور ایشان را مجاب کردید که در فیلم بازی کنند؟

من از همان ابتدا که این ایده در ذهنم شکل گرفت، علی نصیربان را در این نقش تجسم می‌کردم، صادقانه می‌گویم که اگر استاده هر ذیلی نمی‌پذیرفتند و یا میراث‌گر لیبهای چون او را در سینما ندانستیم من اصلاً اقدام به ساخت این اثر نمی‌کردم. همین‌طور پذیرفتن‌شان و پیوستن به گروه کار سختی بود که با پیگیری‌های شدید بنده و سپس با اشتیاق ایشان برای حضور در این نقش اتفاق افتاد، ابتدا من حضوراً خدمت استاد رسیدم و خواهش کردم که این نقش را بپذیرند، استاد گفتند که به تازگی از پروژه برادر جان فارغ شده‌اند و با بیماری‌های مختلفی که در کهنسلی‌گری‌های‌شان شده، امکان بازی ندارند، اما من مصرانه از او خوستم که بعد از خوانش فیلمنامه اگر نظرشان تغییر کرد ظرف یک هفته آینده، با بنده تماس بگیرند. یک هفته گذشت و از ایشان خبری نشد برای آنکه فرصت کافی برای فکر دادن به استاد داده باشم هفته دوم راهم صبر کردم دست‌آویزی از دو هفته با علی نصیربان تماس گرفتم که در همین ابتدای صحبت به من گفتند: پسر خوب تو که فیلمنامه را داده‌ای چرا شماره‌ات را نگذاشتی؟ من چطور باید با تو تماس می‌گرفتم! استاد پذیرفته بودند و اخلاق‌شان کاملاً فرق کرده بود و همین مسئله بسیار مرا در ساخت و تولید اثر ثابت قدم کرد.

و اما با وجود دیمپاری و سختی‌های دوران کهنسلی همکاری‌شان با گروه چطور بود؟

بسیار عالی، از تمام افراد گروه منضبط‌تر و با اخلاقی‌کلماحرفه‌ای، حضور داشتند، نه تنها بنده که همه افراد در کنار ایشان درس‌پس دادیم، و بسیار از منش حرفه‌ای و تجربیات ایشان آموختیم. به عقیده من استاد نصیربان گنجینه‌ای از دوران طلایی سینماست که حتی در نسل بعد خودش هم تکرار نشد. من در تمام طول عمر کاری ام هیچ شخصی را به اندازه استاد در خور ستایش و تحسین هنری ندیده‌ام. و این فیلم تنها به حضور او خلق شد. من این اثر را با احترام به عشق و اصالت در خانواده به علی نصیربان سینمای ایران تقدیم می‌کنم.

در مراحل اخذ مجوز تا پروانه ساخت به مشکلی برخورد کرده‌اید؟

خیر، این فیلمنامه به جهت درام جذاب و قصه‌تازهای که داشت در همان خوانش اولیه مورد اقبال دست‌اندرکاران نظارت قرار می‌گرفت، و به راحتی تمام مراحل نظارتی را طی کرد. طوری که برای کسب مجوز

از ناجی هنر، خودشان با بنده تماس گرفتند و ضمن آرزوی موفقیت برای این فیلم، مجوز را صادر کردند.

کارگردان در این وائفسا که عده‌ای مجال تولید اثر هنری را به تحریم و تعطیلی محکوم کرده‌اند چه کردید؟

من آدم رسانه‌ای نیستم، عادت دارم در سکوت و خلوت کارم را پیش ببرم، خیلی به حواشی و هیاهوی بیرون کاری ندارم. اما به طور کل سوالم این است که چرا با همین شعار تعطیلی و تحریم به سراغ صنف طلافر و شان و بازاری‌های کلسب و... نمی‌روید. و معتقدم که هنر جای بازهای سیاسی نیست، تحریم و سیاست برای من معنی و مفهوم ندارد اولویت‌ام نمایش یک اثر هنری شریف بود. سال‌های قبل با وجود همه این شلوغی‌ها دوستان تحریم‌کننده در جشنواره فجر هم فیلم داشتند و هم جایزه گرفتند.

برای تامین بودجه این اثر از نهاد یا سازماتی حمایت شده‌اید؟

خیر، این فیلم کلماً به صورت مستقل و بودجه‌ای شخصی تولید شد.

فرشاد گل‌سفیدی:

دریچه دوربین آخرین قاب بک کارگردان است.

فرشاد گل‌سفیدی فیلمبردار و حالا کارگردان چطور شد که به حوزه کارگردانی وارد شدید؟

محمد کملی پور این فیلم‌نامه را به بنده پیشنهاد داد. موضوع این درام عاشقانه به قدری بر ایم جذاب بود که مجابم به کارگردانی این اثر کرد.

تجربه‌های فیلمبرداری چقدر روی کارگردانی‌تان تاثیر داشت؟

خیلی تاثیر داشت. در این فیلم علاوه بر کارگردانی، مدیر فیلمبرداری این پروژه هم بودم. دریچه دوربین آخرین قابی است که کارگردان با بستن آن هر چه را که در ذهن دارد به تصویر می‌کشد و من سال‌های سال لست مسحور و تماشاگر این قلب از زوایای مختلف هستم. اما به هر حال کارگردانی هم سختی‌های خودش را داشت که به عنوان تجربه اول برایم جذاب بود.

هفت بهار نارنج در چه ژانر و سبک سینمایی ساخته شده است؟

یک ملو درام با ماهیت عاشقانه که در پس‌زمینه فارغ از هر زمان و مکان است، عشق یک دستمایه‌ای قوی است در وجود هر آدمی است. که در این درام با قصه‌ای روان و ساده با مخاطب ارتباط می‌گیرد. به دنبال سبک پردازی نبودیم، هدفمان روایت قصه‌ای اصیل و تاثیرگذار

از عشق بود که آن را در یک فضای عاشقانه متفاوت به تصویر بکشیم.

داستان فیلم درباره چیست؟

فیلم درباره داستان عاشقانه طلعت و شمس است، یک عشق اسطیری و پرکشش که در این دوران کمیل و یابه کل نایب شده‌است.

از چه زمانی تصمیم به ساخت اثر گرفتید و برای مجوز اقدام کردید؟

حدود ۳ سال پیش این اثر به دست من رسید. و با بازنویسی فیلمنامه و جلسات توجیهی تولیدی که در نهایت در اسفند ماه ۱۳۹۹ مجوز را گرفتیم و در اردیبهشت ماه سال ۱۴۰۰ موفق به اخذ مجوز شدیم. مسائل پست و پرداختن این فیلم زمان بیشتری را برد حدود ۱۴ ماه برای صداگذاری، تدوین و اصلاح رنگ بودیم. شاید به نظر بیاید که وسواس زیادی به خرج دادم، اما از نظر خودم برای کیفیت کار لازم بود.

تحرکات اخیر آی‌پار روند فیلم تاثیر داشته یا نه؟

خیر به هیچ عنوان، پیام و مضمون شرفتمندانه این اثر که ملهم از یک عشق اسطیری بود، ما را امیری از هر گونه حاشیه‌سازی از سیاست زدگی می‌کرد و در واقع موضوع این فیلم معنایی داشت که وابسته به زمان، مکان و یا دوره خاصی نمی‌شد. و امیدوارم این فیلم جایگاه خودش را پیدا کند و بازخور خوبی در جامعه داشته باشد.

برسش فیلم از چیست؟

از عشق ناب و گمشده‌ای که نیاز به شناخته شدن و درک شدن داشت از زاویه‌ای متفاوت، عشق اصلی که در دوران پیری همچنان زنده و پابرجاست، یکی از دلایلی که علی نصیربان پذیرفتند در این اثر بازی کنند این بود که در دوران سوگ همسر خود به سر می‌برند و گویا با نقش پردازی این فیلم دین خود را به عشق ملنگار سفر کرده خود اعطا کردند.

از فیلم تولید شده راضی هستید، تا به الان نظرات مخاطبین را از دیدن فیلم چگونه ارزیابی کرده‌اید؟

مخاطبین از دیدن فیلم راضی بوده‌اند و آن را یک فیلم شریف خوانده‌اند. اما باید منتظر نظرات بیشتر بود تا ببینیم که در پایان چه اتفاقی برای این اثر می‌افتد.

لوکیشن اصلی فیلم کجاست؟

در شمال کشور بود که در طول یک ماه فیلم برداری شد.

هر چه می‌خواهد دل تنگت بگو.....

سعی کردم فیلم درست در اندازه مخاطبان شریف ایرانی بسازم. فیلمی عمه‌پسند که هم نظر تخصصی منتقدین را جلب کرده باشد و هم مردم را در آکران عمومی.